ورشکسته [bæŋkrʌpt] adj. ورشکسته

اگر کسی ورشکسته شود، آنها نمیتوانند بدهی های خود را پرداخت کنند.

→ فروشگاه چند مشتری داشت و به زودی ورشکسته شد.

مطابق بودن

مطابقت [kənfɔːrm] v. مطابقت کردن

برای مطابقت با قوانین یا قوانین، اطاعت از آنهاست.

→ دانش آموز جدید مجبور به مطابقت با کد لباس مدرسه بود.

استخدام کردن

استخدام [implicei] v. استخدام

برای استخدام کسی بدان معنی است که به آنها کار کند.

→ کتابفروشی دو کارمند تمام وقت را استخدام کرد.

اخراج کردن

Expel [Ikspel] v. اخراج

برای اخراج کسی به این معنی است که آنها را مجبور به ترک یک مکان.

→ از آنجا که او قوانین را دنبال نمی کند، اصلی باید دانش آموز را اخراج کند.

افزونه

فرمت [ikstenʃən] n. افزونه

یک پسوند بخشی از چیزی است که به آن زمان یا فضای بیشتری اضافه می شود.

→ پدر و مادر من تصمیم به اضافه کردن یک فرمت به خانه ما برای نوزاد جدید.

پیش

آینده [fɔːrθkʌmiŋ] adj. پیش

اگر چیزی پیش بینی شده باشد، در آینده اتفاق می افتد.

→ برخی از اقتصاددانان پیش بینی کردند که اقتصاد جهانی آینده شدید خواهد بود.

مبله کردن

ارائه [fəːrniʃ] v. ارائه

برای تهیه ابزار برای قرار دادن مبلمان در یک خانه یا اتاق.

→ اکثر خانه ها با جداول، صندلی ها و تخت ها مجهز شده اند.

بهداشت

بهداشت [haidʒiːn] n. بهداشت

بهداشت، شرایط یا روشهای مورد نیاز برای سلامتی و پاکیزگی است.

→ افرادی که دندان های خود را حداقل دو بار در روز تمیز می کنند، بهداشت خوب عمل می کنند.

بهداشتی

بهداشتی [haidʒinik] adj. بهداشتی

اگر چیزی بهداشتی باشد، پس تمیز و بعید است که بیماری ایجاد شود.

→ خواهر من بسیار سخت کار می کند تا کل خانه خود را به عنوان بهداشتی نگه دارد.

صاحب خانه

صاحبخانه [lændlɔːrd] n. صاحب خانه

صاحبخانه یک مرد است که اموال را به یک فرد اجاره می دهد.

→ صاحبخانه پول اجاره هر کس را در روز اول هر ماه جمع آوری کرد.

اجاره دادن

اجاره [liːs] v. اجاره

به اجاره به معنای اجاره ملک، معمولا یک آپارتمان یا زمین است.

→ هنگامی که خانواده اول آپارتمان را اجاره کرد، اجاره بسیار کم بود.

اجباری

اجباری [mændətɔ: ri] adj. اجباری

اگر چیزی اجباری باشد، قانون آن مورد نیاز است.

→ اجباری است که هر کس حداقل شانزده ساله باشد تا ماشین را در ایالات متحده رانندگی کند.

بهبودی یافتن

اصلاح [MEND] v. اصلاح

برای اصلاح چیزی به معنای اصلاح آن زمانی که آن را شکسته یا آسیب دیده است.

→ مادر اصلاح شده در شلوار من با یک تکه پارچه.

رهن

وام مسکن [mɔːrgidʒ] n رهن

وام مسکن وام برای اموال، به ویژه خانه ها و کسب و کار است.

→ هنگامی که آنها خانه جدید خود را خریداری کردند، زن و شوهر متاهل مجبور به امضای وام مسکن شدند.

پرسنل

پرسنل [ˌpəːrsənel] n. پرسنل

پرسنل کارکنان در یک کسب و کار هستند.

→ هنگامی که کسب و کار افزایش یافته است، ما مجبور شدیم استخدام بیشتر پرسنل.

لوله کشی

لوله کشی [plʌmiŋ] n. لوله کشی

لوله کشی سیستم لوله های مورد استفاده در یک خانه برای تامین آب است.

→ هنگامی که لوله کشی متوقف شد، هیچ کس مجاز به استفاده از توالت نبود.

مستاجر

مستاجر [tenənt] n. مستاجر

یک مستاجر فردی است که اموال را از صاحبخانه اجاره می کند.

→ مستاجران جدید به خانه در سراسر خیابان منتقل شدند.

مرسوم، مد روز

مرسوم، مد روز [Trendi] adj. مرسوم، مد روز

اگر چیزی مرسوم است، پس از آن بسیار محبوب و جدید است.

→ کارلو یک ماشین جدید مرسوم را خریداری کرد.

سودمند

Utility [Juːtiləti] n. سودمند

یک ابزار یک کسب و کار است که خدمات مانند آب یا برق را تامین می کند.

→ اگر شما خدمات را پرداخت نکنید، ممکن است برق خود را خاموش کنید.

به موجب آن

به همین ترتیب [hwɛə: rbai] conj. به موجب آن

به این معنی است که به وسیله آن یا از طریق آن.

شهردار یک پل جدید ساخته بود که شهروندان می توانند از رودخانه عبور کنند.

مرد و میمون

در حالی که پرواز بیش از یک جنگل، یک هواپیمای خصوصی اجرایی ثروتمند سقوط کرد. برخی از خدمه صدمه دیده بودند، بنابراین خلبان تصمیم گرفت با آنها باقی بماند و منتظر بماند. با این حال، اجرایی متکبر، به رفاه خلبان و خدمه توجه نکرد. در عوض، او فکر کرد که می تواند از جنگل عبور کند و یک شهر پیدا کند تا بماند.

او پیاده روی را از طریق یک کانیون و در امتداد یک کریک دنبال کرد. جنگل واقعا بسیار خیره کننده بود. اگر اجرایی متکبر متوقف شده بود تا به اطراف نگاه کند، او ممکن است زیبایی جنگل را درک کند. اما او در خلق و خوی تند و زننده بود و هیچ اهمیتی برای ارزش زیبایی شناسی جنگل نداشت. او همچنان به راه رفتن شیب تند از تپه های جنگل ادامه داد.

به زودی، او گم شد چند روز گذشت، و خستگی و گرسنگی او را تضعیف کرد. او بسیار خسته و ترس بود.

درست بعد، یک میمون از درختان بیرون آمد. آن را حمل یک شاخه تحت پوشش عسل. آن را به یک تپه راه رفتن که در آن موریانه زندگی می کردند. سپس او از شاخه ای مانند یک مته استفاده کرد تا سوراخ را در تپه بسازد. سپس بسیار دقت، این شاخه را از سوراخ حذف کرد. شاخه چسبنده با موریانه پوشیده شده بود.

به جای خوردن اشکالات، میمون آنها را به اجرایی ارائه داد، اما او نمی خواست آنچه میمون ارائه دهد. او در میمون فریاد زد: "از من دور از من، شما احمقانه است.

کلیشه اجرایی میمون اشتباه بود. میمون احمق نبود این می دانست که چگونه برای پیدا کردن غذا، در حالی که اجرایی انجام نشد. او از کمک میمون رد کرد، در نتیجه خود را به گرسنگی ترک کرد.

هنگامی که اجرایی در نهایت یافت شد، او بسیار لاغر و بیمار بود. او برای مدت طولانی غذا خورد. از آنجا که او تعصب علیه راه های ابتدایی میمون برگزار شد، او گرسنه شده بود و تقریبا درگذشت. مدیر اجرایی نمی دانست که این نگرش متکبر او بود که تمام مشکلاتش را ایجاد کرده بود.